

## «اندیشه‌های عرفانی در اعتقادات مانوی»

دکتر امیر اکبری

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

### چکیده مقاله:

پیشینه اندیشه‌های عرفانی در اعتقادات ایرانیان هم پای حضور زرتشت در جامعه ایرانی است. مانی که در عهد ساسانی برای اصلاح جامعه زرتشتی قیام کرد، متأثر از گنوسیسم پیش از خود و دارای اندیشه‌های عرفانی قوی بود. آیین وی تلفیقی از همبستگی‌های مسیحیت و اعتقادات ایرانی بر اساس نگرش‌های باستانی بین‌النهرین بود که به صورت اعتقادات عرفانی تعمیدی شکل گرفته بود. وی در این راستا تلاش نمود تا نحله‌های عرفانی پیش از خود را به شکل دینی گسترده در آورد. آمیختگی دین و دانش به گونه‌ای عرفانی در اندیشه مانی نشان می‌دهد که وی اساس تعالیم خود را بر تأثیر از اندیشه گنوسی بنا نهاد. اخلاق و عرفان به عنوان مبنای تعالیم مانوی تأثیر خود را در میان عارفان و صوفیان بعد از خود حفظ نمود. زهد و رهبانیتی که در تعالیم وی وجود دارد تبلوری از نگرش گنوسی است که با ظهور اسلام اندیشه‌های عرفانی مانی در برخی از نگرش‌های صوفیانه تأثیر خود را بر جای گذاشت، چنانکه برخی از اندیشه‌های آنان با اندیشه‌های مانوی و مخصوصاً گنوسی همانندی‌هایی دارد.

### کلید واژه‌ها:

مانی، گنوسیسم، عرفان، اسلام، مسیحیت، زرتشتی.

## پیشگفتار

عرفان یا Mysticism در اصطلاح قدیم خود آموزش اسرار یک فرقه بوده است و در لغت به معنای شناختن و کسب معرفت است. عرفای اسلامی عرفان را علمی از علوم الهی در شناخت حق تعالی و صفات مخصوص به وی می‌دانند که از طریق صفای نفس و درک حقیقت بدان نایل می‌شوند. ارتباط عرفان با دین، پیشینه اندیشه‌های عرفانی را در اعتقادات دینی مختلف نمایان می‌سازد. در این میان تصوّف به عنوان جلوه‌ای از عرفان در میان اعتقاداتی که به این مسلک پایبندی بیشتری دارند نقش خود را پررنگ‌تر می‌نمود. دین مانی در میان دیگر ادیان ایران باستان از این خصیصه بارز برخوردار بوده و آمیختگی آن با اندیشه‌های عرفانی و تصوّف بیشتر بوده است. دین زرتشت اساس اندیشه‌های عرفانی و مذهبی بعد از خود را تشکیل می‌داد. ظهور زرتشت و برقراری وحدت دینی در جامعه پیش از خود ارائه تصویری روشن از معاد یا پل چینوات با عملکردی سعادت آبنده در قالب سه اصل گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک برای پیروان خود، میسر و اندیشه عرفانی را برای دیگر ادیان بعد از خویش سرمشق گردید.

اوستا و بخش‌های مختلف آن که در ستایش و نیایش ایزدان است، همه از اعمالی برای پرهیزگاری، راستی و صداقت و توأم با سخنان عارفانه است. در این میان گائتها که قدیمی‌ترین متن اوستا و سرودهای آن منسوب به خود زرتشت است از جایگاه والاتری برخوردار می‌باشد. دین زرتشت اگر چه در عمل چندان ریاضتی را ترویج نکرد اما برای پیروزی خیر بر شر یا نور بر ظلمت راهکار عرفانی را برای پیروان خویش در جهت شناخت مظاهر حق ارائه داد. ترسیم زرتشت در کشاکش نور و ظلمت مبنای اعتقاد مانی گشت. اندیشه‌های عرفانی در اعتقادات مانوی که متأثر از گنوسیسم پیش از خود و هم چنین اثر گذار بر ادوار بعدی به شمار می‌رفت را بسیار قوی و بیشتر از دیگر ادیان ایران باستان باید دانست.

## مانی و آغاز رسالت

مانی از جمله مصلحان بزرگ اجتماعی ایران در عصر ساسانی به شمار می‌رود. رسمی شدن دین زرتشت در عصر ساسانی که همراه با یک تحول بزرگ سیاسی و مذهبی بود، در کنار خود انواع نگاه‌ها و متون دینی را فراهم آورد. برخی از این متون چون مینوی خرد و ارداویرافنامه دارای مضامین عرفانی و اندیشه‌ای غنی، زاهدانه است<sup>۱</sup> این تحول دینی پیچیدگی و گسترش دستگاه روحانیت زرتشتی را سبب گشت. دخالت‌های سیاسی روحانیون زرتشتی تغییر و انحرافات دینی را بنابر مصلحت اندیشی برخی از رهبران آنان چون کرتیر به همراه آورد.<sup>۲</sup> در راستای چنین تغییرات و انحرافات دینی برخی از رهبران دینی چون مانی و مزدک برای بهبود دین و سعادت جامعه راه‌کارهای نوینی را عرضه کردند. مانی از جمله افرادی بود که در برهه‌ای خاص و با اندیشه‌ای تلفیقی از عقاید رایج زمان خویش رنگ عرفانی و صبغه‌ای از تصوّف را مبنای رسالت خوش ساخت.

مانی را از نجبای پارت می‌دانند که در سال ۲۱۶ میلادی در محلی بنام مردی نو یا ارب رومی، واقع در شمال شرقی بابل بدنیا آمد.<sup>۳</sup> بیرونی تولد مانی را «در سال ۵۳۷ از سالهای منجمینی بابل، یعنی تاریخ اسکندر در سال چهارم از پادشاهی آذربان»<sup>۴</sup> می‌داند. مورخین سریانی نیز اصل مانی را از شوشان یعنی خوزستان و ولادت وی را در ۲۴۰ میلادی می‌دانند.<sup>۵</sup> به روایت این ندیم پدر مانی دل‌بسته معبدی بود که:

«در آن معبد، روزی صدای هاتقی را شنید که به وی گوید: ای فتق گوشت نخور، شراب ننوش و بشری را بحباله نکاح خود در نیاور. فتق که این را دید به گروهی پیوست که در نواحی دشت میسان معروف به مغتسله بودند.»<sup>۶</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجموعه علمی و پژوهشی  
مجله علمی و پژوهشی  
فصلنامه علمی و پژوهشی  
مجموعه علمی و پژوهشی

۱- ارداویرافنامه، به تصحیح رحیم عقیقی، ص ۳۷.

۲- تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان، ص ۷۶.

۳- تاریخ کامل ادیان، ص ۴۱۲.

۴- آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۲۶۹.

۵- بهار و ادب پارسی، ۵۱.

۶- الفهرست ابن ندیم، ص ۵۸۲.

بدین شکل مانی دوران کودکی را در محیط مذهبی خانواده سپری کرد و از اعتقادات ماندائی<sup>۱</sup> پدر تاثیر پذیرفت، وی با این پیشینه مذهبی و در جریان مسافرت برای کسب معارف دینی با سایر ادیان بزرگ زمان خود مانند زرتشتی، عیسوی و مذاهب گنوستیکی آگاه شد سپس آیین مغتسله را انکار کرد.<sup>۲</sup>

مانی در دوازده سالگی مکاشفاتی یافت و به گفته خود ملکی بنام صاحب و قرین بر او ظاهر شد و اسرار عالم و حقایق الهی را بر او عرضه کرد و چون عیسی (ع) و عده ظهور فارقلیط را داده بود، مانی خود را همان فارقلیط دانست.<sup>۳</sup> تاریخ این مکاشفه را بیرونی در سیزده سالگی مانی و در سال دوم سلطنت اردشیر بابکان ذکر می کند.<sup>۴</sup>

به دنبال این وحی، مانی از آیین مغتسله<sup>۵</sup> کناره گیری کرد. دوران نوجوانی و جوانی را به بررسی آراء و اعتقادات گوناگون رایج در بین النهرین سپری کرد. بابل زادگاه مانی جمعیتی آمیخته از هر دست داشت.<sup>۶</sup> از مدتها قبل مسیحیان نسطوری در این ناحیه به پخش اعتقادات خود پرداخته بودند. مذاهب گنوستیکی و زرتشتی نیز نفوذ قابل توجه در این منطقه داشتند. بنابر این ده سال دوران انزوا و سرگردانی وی در ایالات ایران می توانست او را نسبت به ادیان مختلف آگاه سازد.

---

۱- آیین مندائی (از مندا به معنی دانش آگاهی) نظامی جامع و ویژه است که در زمره مکتب های گنوسی دوران متأخر عهد عتیق قرار دارد و پیوندی تنگاتنگ با آیین یهود و مسیحی گری دارد. از نظر جغرافیایی نیز نمایانگر برخی تأثیرات محیط دینی ایران است میرچاه الیاده: آیین گنوسی و مانوی، صص ۱۰۰-۹۱.

۲- ایران در زمان ساسانیان، ص ۲۶۴.

۳- تاریخ روضه الصفا، ص ۷۴۳.

۴- بیرونی، همان کتاب، ص ۲۶۹. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵- اعراب از آن جهت آنها را مغتسله می خواندند که صائیان پیوسته خود را در رود می شستند. این دین از ستاره پرستی و کیش مسیحی گرفته و در زبان آرامی به مفهوم شوینده یا مغتسله می باشد. در قرآن سه جا ذکر شده که آنها در اصل نبطی بوده اند. صائیین حران قدیمی تر از صائیین جنوب بودند و مانی از صائیین جنوب بود. این فرقه بنام (نصری، ماندائی، مسیحی یوحنائی) معروف می باشند و کتابی به زبان آرامی به نام گنزی دارند. مقصود اصلی اینها از غسل تعمید درآمدن به یک حالت روحانی و برآمدن از کثافت نفسانی است. شناخت صبی ها ص ۳۴، هوار: ایران و تمدن ایرانی، ص ۲۰۲.

۶- هوار: همان، ص ۲۰۲.

سفر مانی به شرق در زمان اردشیر، علاوه بر پیدا کردن پیروانی موجب آشنایی با آئین بودائی گردید. احتمالاً تلفیق اندیشه‌های وی را با مذهب بودایی می‌بایست مربوط به این زمان دانست

مانی در سال ۲۴۳ میلادی راهی دربار شاپور شد و در مسیر راه و بالاخص شوش و میسان، مردمان بسیاری را به کیش خود درآورد.<sup>۱</sup> مانی در مراسم تاج‌گذاری شاپور بار یافت و تنها کتابش را که به فارسی میانه نوشته بود، یعنی شاپورگان را تقدیم وی کرد. مانی دین خود را با بیانی فصیح و گیرا ارائه کرد و اعلام نمود: در هر زمانی پیامبران حکمت و حقیقت را به مردم عرضه کرده‌اند. گاهی در هندوستان به وسیله بودا، در ایران به وسیله زرتشت و گاه در مغرب زمین توسط عیسی این حقایق آشکار شده است سرانجام من که مانی و پیامبر خدا هستم مأمور نشر حقایق در سرزمین بابل شدم.<sup>۲</sup> مانی خود را مهر تأیید پیامبران پیشین می‌دانست علیرغم آنکه عقاید زرتشتیان، بودائیان، منداییان، مرقیون و همه پیامبران گذشته را می‌پذیرفت.<sup>۳</sup> وی از شاپور خواست پیروان او را گرامی بدارد تا بتواند در شهرهای قلمرو امپراطوری به هر کجا که می‌خواهند آزادانه بروند و تبلیغ کنند. شاپور این اجازه را به مانی داد و حتی در صدد بود دین مانی را بجای آئین زرتشت رسمی کند.<sup>۴</sup>

آئین مانی از آنجائیکه تلفیقی از ادیان زرتشتی، مسیحی و بودائی بود بیشتر مورد توجه قرار گرفت و شاپور بر آن شد تا این دین را به شکل آئین جهانی محور اعتقادات مردم نواحی مختلف قرار دهد. در این رابطه مانی نیز داعیه جهانی بودن دین خویش را داشت و خود را «همان فارقلیط که مسیح ظهور او را وعده داده بود»<sup>۵</sup> می‌دانست. مانی اگرچه از حمایت شاپور برخوردار بود اما مخالفت بسیاری از روحانیون زرتشتی با مانوی‌گری چندان زمینه‌ای را برای توسعه افکار و اندیشه‌های زاهدانه او فراهم نساخت

۱- میرچا الیاده، همان، ص ۱۱۳.

۲- ملل و نحل، ص ۸۴.

۳- شاهنشاهی ساسانی، ص ۶۵.

۴- تاریخ تمدن ایران، ص ۲۲۲.

۵- الفهرست ابن ندیم، ص ۵۸۴.

برخی از منابع از خصومت شاپور نسبت به مانی در اواخر حکومتش خبر می‌دهند. این بلخی می‌نویسد: «چون مانی پدید آمد و اول کسی که زندقه نهاد او بود و فتنه در عالم پیدا شد و شاپور کسان بر گماشت تا او را بگیرند. وی بگریخت و به ولایت صین رفت.»<sup>۱</sup> اگر نتوانیم برخورد نخست میان شاپور و مانی در اواخر حکومت شاپور را بپذیریم، اما اشاره بسیاری از منابع به دوری مانی از دربار در اواخر پادشاهی شاپور شاید با نوعی تبعید وی از ایران<sup>۲</sup> همراه بوده است. وی در اواخر عهد شاپور و یا دو سال قبل از وفات آن پادشاه از تیسفون بیرون و به کشمیر و از آنجا به ترکستان و چین رفت. وی در تبت ایمان پیروان جدید خود را با نوشته‌هایی که پیوسته در اختیار آنان می‌گذارد<sup>۳</sup> زنده نگه می‌داشت. بنابر نوشته زبور مانوی قبطی، مانی شش سال در دنیا مانند اسیر در میان بیگانگان راه می‌رفت.<sup>۴</sup> شاید این سخن گویای آن باشد که تعقیب مانی و مانویان یا بی‌مهری به آنان شش سال قبل از وفات مانی شروع شده باشد.

اشاره منابع بیشتر بر آن است که این سفر مانی تا آغاز حکومت بهرام اول ادامه داشت. با قدرت یافتن بهرام، مانی به ایران آمد. ولی وی پادشاه ضعیف‌النفسی بود که روحانیون به رهبری کرتیر از ضعف او استفاده کرده و شدیداً در سیاست دولت دخالت نمودند. این زمان فرصت مناسبی بود تا روحانیون با انقلاب مانی که بر ضد آئین زرتشتی عهد ساسانی بلند شده بود مقابله نمایند. در این زمان دین کاملاً در انحصار دولت بود.<sup>۵</sup>

دستور تعقیب و دستگیری مانی به تحریک کرتیر انجام گرفت. جریان محاکمه مانی توسط کرتیر بیانگر آن است که تعالیم زاهدانه مانی از نظر آنها تأثیر منفی و نشانه نابودی جامعه است چنانکه: «موید از او پرسید ویرانی بهتر است یا آبادانی؟ گفت ویرانی تنها مایه آبادانی جانها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱- فارس‌نامه، ص ۶۲.
- ۲- هوار، همان، ص ۲۰۳.
- ۳- همان، ص ۲۰۳.
- ۴- تقی‌زاده، همان، ص ۱۱.
- ۵- مبانی تاریخ ساسانیان، ص ۱۰۲.

است، گفت به ما بگو کشتن تو آیا آبادانی است یا ویرانی؟ گفت این ویرانی بدن است، گفت پس شایسته است که تو را بکشیم تا پیکرت ویران شود و جانت آبادان.<sup>۱</sup>

در پایان محاکمه، پادشاه حکم به حبس مانی می‌دهد وی به علت فشار و شکنجه‌های بسیار پس از ۲۶ روز در زندان درگذشت. بهرام به او گفته بود تو را «به کشتن بی سابقه‌ای بکشم»<sup>۲</sup> پس بعد از مرگش، سر او را جدا کرده و پوستش را پر از کاه کردند و بر دروازه شهر آویختند.

### تأثیر مانی از اندیشه های گنوسی

گنوس Gnostic یعنی معرفت واژه‌ای یونانی و از ریشه هند و اروپایی است. طریقه گنوسی به معرفتی خداگونه از طریق عرفان توجه دارد که مبنی بر مکاشفه و اشراق بوده که از راه تجربه مستقیم مکاشفه یا تشرف به سنت رازآمیز و باطنی بدست می‌آید. این آیین به مردم درک کامل دانشی را توصیه می‌کرد که می‌توانست برای روح، یعنی نفس درونی و حقیقی رستگاری نهایی از فساد و شر این جهان را به ارمغان آورد و آن را به اماکن بهشتی که بنابر اندیشه گنوسی خانه راستین و اصلی آن است هدایت نماید.<sup>۳</sup> این مسلک اگرچه در طی ربع قرن دوم میلادی ظهور نمود،<sup>۴</sup> اما ریشه آن به اندیشه‌های فلسفی مشرق زمین و نیز تلفیق نگرش‌های بین‌النهرین و آسیای صغیر و تلاقی آن با فلسفه اشراق در جریان نفوذ فرهنگ هلنیستی بر این سرزمین‌ها بازگشت می‌کند. پیشینه اندیشه عرفانی در این سرزمین‌ها بی‌شک در پیدایی تفکر گنوسی مؤثر بوده است. هر چند که در این میان برخی از محققین برای آئین گنوسی خاستگاهی ایرانی در نظر می‌گیرند<sup>۵</sup> اما تکامل و گسترش این آیین با تفسیر و تأویلات جدید در باب شخصیت عیسی (ع) همراه بود. گنوسی‌ها به جای آنکه فلسفه یونان را در مذهب عیسوی منحل نمایند، وجود عیسی را آخرین مظهر ترکیب فلسفه مشرق و غرب

۱- تاریخ ثعالبی، ص ۳۱۹.

۲- تاریخ یعقوبی، ص ۱۹۷.

۳- میرچا الیاده، همان، ص ۱۹۱.

۴- مسیحیت از آغاز تا عصر روشنگری، ص ۳۷.

۵- مانیکری، صوفیگری، ص ۲۹.

معرفی می‌کردند.<sup>۱</sup> وجود چنین بدعت‌هایی که از سوی دیگر بزرگان کلیسا نیز نفی می‌شد سبب رانده شدن گنوسی‌ان از جامعه مسیحیت گردید. آیین گنوسی به تدریج رنگ مسیحی خویش را از دست داد و بعد از آن به حلقه‌های اجتماعی مانویت گراییدند.<sup>۲</sup> مانی از طریق فرقه گنوسی مسیحی با این دین آشنایی بسیاری پیدا کرد و توانست صد سال پس از مرقیون و هفتاد سال پس از ابن دیصان، بزرگان عرفان مسلک گنوسی، جانشین آنها گردد.<sup>۳</sup> بزرگان فرقه‌های گنوسی مسیحی چون مرقیون با سیلیوس و ابن دیصان اندیشه‌های عرفانی خود را بیشتر برای خواص انتشار می‌دادند در حالیکه مانی گرایش عرفانی خود را به دینی مبدل کرد که قرن‌ها دوام یافت.<sup>۴</sup> مانی آخرین نفر از این عرفای بزرگ است که اندیشه‌هایش نمایانگر زوال یک دوره و پیدایش دوره جدیدی است که توانست تأثیر در دوران بعد از اسلام نیز داشته باشد. مانی گسترش‌دهنده نحل‌های عرفانی پیش از خود بود، که تلاش نمود این گرایش عرفانی را به گونه دینی گسترده درآورد. ظهور مانی در چنین شرایطی زمینه را برای ایجاد بزرگترین طریقه گنوسی و تأثیرگذار بر اندیشه‌های عرفانی عصر خویش فراهم آورد.

آموزه‌های مانی گونه‌ای از آیین گنوسی به شمار می‌رفت که منطقه زادگاه وی یعنی بین‌النهرین با وجود مکتب‌های گوناگون دینی و فلسفی چون مسیحیت، یهودیت و آیین زرتشتی به گنوسیسم همچنان پای بندی و تمایل داشتند. وجود گروه‌های مرتاض و پیروان مکاتب فلسفی و اندیشه‌های یونانی به همراه ستاره‌شناسی کلدانی، مجموعه‌ای از اعتقادات متنوع را در بین‌النهرین موجب شده بود که به همراه آیین گنوسی که جو معنوی حاکم آن زمان بود خانواده مانی را کاملاً تحت تأثیر خود قرار داده بود.<sup>۵</sup> از اینرو اگر بخواهیم محیط معنوی را که مانی در آن پرورش یافته بود دریابیم، باید به چنین حقایقی دقت داشته باشیم. ظهور مانی در چنین سرزمینی با وجود پیشینه و رونق اندیش گنوسی سبب شد تا آیین مانوی در وهله نخست یک آیین گنوسی جهانی به شمار رود. تنها آیین جهانی بزرگی که از دل سنت

۱- تاریخ جامع ادیان: ص ۶۲۸.

۲- میرچا الیاده، همان، ص ۸۲.

۳- الفهرست، ص ۵۸۲.

۴- زبور مانوی، ص ۱۱.

۵- میرچا الیاده، همان، ص ۱۰۹.



گنوسی خاور نزدیک برخاسته بود و هیچ یک از مکتب‌های گنوسی دیگر بر چنین پیروزی دست نیافتند.<sup>۱</sup> آمیختگی دین و دانش به گونه ای عرفانی در اندیشه مانی نشان می‌دهد که وی اساس تعالیم خود را بر تأثیر از اندیشه گنوسی بنا نهاد که در آن بدبینی عمیق و یک سو نگری نسبت به جهان مادی موج می‌زند. مبنای زهد و رهبانیتی که برای ترک این دنیا و بی‌تفاوتی نسبت به آن در تعالیم مانی وجود دارد خود تبلوری از نگرش گنوسی است و شاید از همین رو برخی تعالیم صوفیه را که شباهت به آداب مانویان دارد متأثر از طریقه گنوسی می‌دانند.<sup>۲</sup> بنابر نظر ویدن گرن آیین مانوی تلفیقی از همبستگی‌های مسیحیت و اعتقادات ایرانی بر اساس معتقدات باستانی بین‌النهرین است که به صورت اعتقادات عرفانی تعمیدی شکل گرفته بود. مسیحیت و اعتقادات ایرانی به زهد بین‌النهرین عادت کرده بود، زیرا سنت‌های محلی هر چند نامحسوس ولی سخت طرفدار داشتند. مانویت پیش از هر مذهب دیگری در موقعیتی بود که بتواند دو رقیب نیرومند روحانی را که عبادت از الهیات مسیحی و ایرانی بود را در یک حد بالاتری تلفیق کرده و به صورت واحدی جلوه‌گر سازد تا در دسترس همه اهالی بومی سرزمین میان رودان که از عرفان زیاده از حد کلیسای آسوری بابل، اشباع بودند قرار گیرد.<sup>۳</sup> این اقدام، موفقیت مانی را در داعیه جهانی بودن اندیشه‌اش در سرزمین‌های پرجمعیت آن روزگار به همراه داشت.

#### اخلاق و عرفان مبنای تعالیم مانوی

مانی معتقد بود پیدایش عالم از دو هستی است: یکی نور و دیگری ظلمت، که دو اصل متضاد می‌باشند. از همین رو اصول تعالیم مانی به اختصار شامل سه مرحله بود، زمان گذشته که دو عنصر خیر و شر به کلی از هم جدا بودند. زمان حال که عنصر بد و خوب با هم مخلوط گردیده‌اند و زمان آینده که مجدداً دو عنصر خیر و شر از هم جدا خواهند شد و نور پیروز خواهد گردید. وی جهان را آمیزه‌ای از دو نیروی خیر و شر و دنیای مادی را حاصل آمیختگی این دو نیرو می‌پنداشت. انسان آفریده‌ای ناشی از آمیزش این دو اصل بود که روح او متعلق به دنیای روشن و جسم او از آن دنیای تاریکی بود. مانی معتقد بود که روح انسان که

۱- همان، ص ۱۲۲.

۲- مانی و دین او، ص ۵۹.

۳- مانی و تعلیمات او، ص ۲۰-۲۱.

بخش ارزشمند وجود او می‌باشد در اسارت جسم است و دین او به انسان‌ها می‌آموزد که چگونه به نیروی شناخت و گنوسیسی می‌توان روح خود را از اسارت جسم آزاد نمایند. مانی روح بیدار نشده را همانند مرد پیر و روح بیدار را مرد جوان نام نهاده است. به نظر وی روح از روشنائی تشکیل شده و از بنیاد خوب است و فقط در اثر فراموشی می‌تواند گناه کند. از نظر مانی کشمکش دائمی میان خیر و شر ایجاد می‌کند که شخصی مؤمن در روح خود، من اصلی و من خدایی را زنده نگاه دارد و این نجات مشخص از گنوس یعنی معرفت و نور باطن حاصل می‌شود. گنوس دوگانگی آدم را بر وی آشکار می‌سازد و در نتیجه انسان دارای معرفت و خودآگاهی می‌گردد و از اسارت ماده تن رها می‌گردد و روح پس از مرگ به وطن نورانی اصلی خوش باز می‌گردد.<sup>۱</sup> آموزه رستگاری مانوی مبتنی بر دانش است. دین مانی همانند دیگر جنبش‌های گنوسی دانش را مایه نجات آدمی می‌داند، که از طریق پیروزی نور بر ظلمت به دست می‌آید. معرفت از طریق خاطره‌ای به رستگاری منجر می‌شود که در آن انسان تشخیص می‌دهد که روحش پاره‌ای از نور و با خدای متعال هم گوهر است. مانی وظیفه انسان را برای رهایی از اهریمن وجود خویش روی آوردن به زهد و تقوا و گاه پرهیز از زناشویی برای برگزیدگان خود می‌داند.<sup>۲</sup> وی اساس رفتار را برای پیروان خود بر سه اصل: مهر دهان، مهر دست و مهر باطن قرار داد. مهر دهان شامل پاکی فکر و گفتار است، مهر دست منع هر عملی است که به جان حیوان و نبات آسیب برساند. برحسب نگرش مانوی کسی که خلاف این فرائض دین مرتکب گناهی شود، مکافات برحسب گناهی که کرده متحمل خواهد شد. مهر باطن منع کامل روابط جنسی برای شخص مانوی است، زیرا تمایلات جنسی خواسته شیطانی است و پیروزی نور بر ظلمت را به تعویق می‌اندازد.<sup>۳</sup>

جامعه مانوی به دو گروه سماعون و برگزیدگان تقسیم می‌شد. سماعون عبارت بودند از توده ملت که طاعت تعالیم دشوار طبقه برگزیدگان را نداشتند.<sup>۴</sup> برگزیدگان در دین مانی دارای وظایف خاصی بودند. آنان نمی‌بایست شغلی انتخاب کنند و گوشت و شراب بخورند و بیش

۱- اصل و نسب دینهای ایران باستان، ص ۲۴۳.

۲- بحثی درباره زندگی مانی و پیام او، ص ۲۰.

۳- ویدن گرن، همان، ص ۱۲۸.

۴- ابن ندیم، ص ۵۹۲، کریستین سن: ص ۲۱۷، ناطق: ص ۲۲۳، اکبری: ص ۸۸.

از غذای یک روز و لباس یک سال اندوخته‌ای داشته باشند. آنان خود را وقف زندگی می‌کردند که به سوی نجات روحشان رهنمون می‌شد. به روایت ابن ندیم: مانی برای سماعین، پیروان خود ده چیز را واجب شمرد؛ هفت روز روزه داشتن در هر ماه است، روزهای یکشنبه را همه مانویان و روزهای دوشنبه را خواص مانویان به امر مانی گرامی داشته و روزه می‌گیرند.<sup>۱</sup> شاید مانی به تأثیر از آیین بودا که پیروان خود را به دو گروه راهب و غیر راهب تقسیم کرده بود مانی نیز این تقسیم بندی را برای برگزیدگان و سماعون در نظر گرفت.<sup>۲</sup> تعلیم اجتماعی مانی بر زهد و رهبانیت و بدبینی نسبت به جهان و پرهیز از هر گونه خوشی و هدایت پیروانش به سوی زندگی سخت اجتماعی استوار بود، که بعدها مبنای کردار زاهدان و صوفیان بسیاری گردید. دین مانی خواهش‌ها و تنعمات را اهریمنی دانسته و گرایش به کشتن نفسانیات و تزکیه روح و جسم آدمی دارد. بنابراین «آنچه مانی درباره ماهیت بشر، دوران زندگی، اصل رنج و درد، منشاء خدا و رهایی از این درد و رنج را به گونه‌ای مطرح نمود که خود بخود به زهد و پارسایی وارسته‌ای انجامید که خاصیت افراطی بسیار داشته و به زودی به ریاضت‌هایی سخت منجر می‌شد.<sup>۳</sup> اندیشه اصلی در آموزه‌های مانی، ابدی بودن ظلم و بیداد و بدبینی زیاد نسبت به جهان است که انسان تنها با ریاضت بسیار و ترک جهان می‌تواند وسیله رهایی خود را از ظلمت فراهم سازد.<sup>۴</sup>

مانی در تفسیر دنیا از اساطیر و اندیشه ایرانی در پرتو تجربیات خویش بهره گرفت؛ اما نحوه ارائه آن، روح عرفانی داشت. زیرا گونه‌هایی از اعتقادات هند و ایرانی که دارای کیفیت عرفانی بود و بیشتر در مورد آیین زروانی صادق است در اندیشه وی مشاهده می‌گردید. گفته معروف عرفانی که می‌گوید انسان باید بداند که کیست، از کجا آمده، کجا هست و به کجا می‌رود را به شکل روشنی از نگاه‌های هند و ایرانی الگوبرداری کرده است.

مانی تعالیم خود را با تسلطی طبیعی اظهار می‌داشت و به تعلیم، تسلی، تذکر و تنظیم احاطه کامل داشت. وی موعظه‌های خود را به زبانی ساده برای افراد عادی مطرح می‌کرد و

۱- الفهرست، ص ۴۱۷، اکبری: ص ۸۸.

۲- ویدن گرن، همان، ص ۱۲۷.

۳- تاریخ کامل ادیان، ص ۴۱۷.

۴- تمدن ساسانی، ص ۱۲۹.

برای رنگ و روح دادن به گفته‌های خود تمام نمادها، تمثیل‌ها و تشبیه‌های عرفانی را به کار می‌برد. وی بدون تظاهر به علم و فضل با شور و هیجانی که برای همگان قابل درک باشد موعظه می‌نمود. از او به عنوان یک موعظه‌گر پرشور، ناطقی توده‌پسند و یک عارف گلچین‌کننده و به هم آمیزنده مذاهب می‌توان یاد کرد.

### اخلاق و شعائر مذهبی مانویان

مانی در بعد اخلاقی تلاش در اندوختن روشنایی داشت و اینکه می‌بایست در جهان از هر امری که به روشنایی آسیبی می‌رساند پرهیز کرد و این نور به وسیله فضایل برادری و ایمان و صبر و عقل و حقیقت و صلح نجات می‌یابد. او معتقد بود خوردن گوشت خطا است، چون حیوانات نور کمتری در بدن خود دارند و بدن آنها انباشته از ماده است در صورت خوردن گوشت روشنایی درون انسان از بین می‌رود و برعکس خوردن سبزیجات به دلیل دارا بودن مقدار بیشتر روشنایی لازم بود. جاودانه کردن نسل از نظر وی برابر بود با جاودانه کردن زندان روشنایی و از این جهت بود که مانی اعتقادی به ادامه حیات، ازدواج و تداوم زندگی خانوادگی نداشت و نه تنها برگزیدگان را از ازدواج منع می‌کرد و نیوشگان نیز تنها حق انتخاب یک همسر داشتند.

تنها برگزیدگان می‌توانستند وارد بهشت شود و نیوشگان تنها زمانی می‌توانند به رستگاری امیدوار باشند که در زندگی دیگری به صورت یکی از برگزیدگان به دنیا بیایند. تعالیم اخلاقی مانویان بیشتر مشابه تعلیم مسیحیان است و از دیانت مسیح اقتباس بسیار در مسائل اخلاقی شده است.<sup>۱</sup>

جوهر شعائر مذهبی مانویان در نیایش‌های آنان است. خواندن سرودها، تسلط بر بدن به وسیله روزه‌گرفتن و اعتراف به گناه با توبه کردن. انجام هفت نیایش روزانه برای برگزیدگان و نیز چهار نیایش برای نیوشگان که می‌بایست با قرار گرفتن در برابر خورشید به هنگام نور و ماه به هنگام شب ادا می‌شد. در این نیایش‌ها علاوه بر خدایان خاص اتحاد چهارگانه خدا، روشنایی، قدرت و عقل که ویژه دین مانی است نیز فراخوانده می‌شد.<sup>۲</sup> روزه گرفتن زکو و

۱- تاریخ ادیان، ص ۱۷۱.

۲- ابن ندیم، همان، ص ۵۹۵.

گزاردن نماز تکلیف عمومی بود و همه طبقات جامعه مانوی را در بر می گرفت. هر ماه هفت روز را روزه می گرفتند و برای نمازگزاردن وضو یا تیمم می کردند و در نماز ۱۲ مرتبه به سجده می افتادند. نیوشگان یکشنبه را، برگزیدگان دوشنبه را مقدس می شمردند.<sup>۱</sup>

روزه گرفتن گاه برای برگزیدگان در تمام ایام ماه قبل از عید بما لازم بود. چرا که این زمان پرهیز عمومی یادآور ۲۶ روز رنج مانی در زندان است و در روز سی ام این ماه جشن بما به عنوان بزرگترین عید پاک مانویان برگزار می شد. این جشن یادآور مرگ مانی است. مسند خالی مانی را در بالای مجلس فرش کرده و تصویر او را در بالای آن قرار می دادند و سپس به گرد منبر جمع می شدند، و مراسم را برگزار می کردند.<sup>۲</sup>

### تأثیر اندیشه های عرفانی مانی در ادوار بعد

بعد از مرگ مانی اندیشه های وی توسط شاگردانش با توجه به آثار مکتوب بسیاری که از او بجای مانده بود گسترش یافت. زرتشتیگری ساسانی اگرچه چندان فرصتی را به پیروان مانی در سرزمین ایران برای ابراز وجود قرار نمی داد، ولی آموزه های مانی که رنگ عرفانی داشت از مصر تا سرزمین چین طرفدارانی برای خود باز یافته بود. سنت اگوستین یکی از بزرگان مسیحیت در مصر پیش از آنکه به دین مسیح درآید مدتها از پیروان مانی بود. در آفریقای شمالی برخی کشیشان به دین مانی گرایش پیدا کردند. فوستوس زاهد معروف در مغرب یکی از معلمین مانویه بود.<sup>۳</sup> گسترش پیروان مانی در امپراطوری روم باعث برخوردهای کلیسا با پیروان این دین گردید. نفوذ دین مانی در شرق بیشتر و مداوم تر از غرب بود ترکستان و ماوراءالنهر در تمام دوران ساسانی و قبل از حضور اعراب مسلمان پایگاه مهم نفوذ مانویان در شرق بود.

با ظهور اسلام اندیشه عرفانی مانی در برخی از نگرش های صوفیانه تأثیر خود را بر جای گذاشت. اندیشه های اسماعیلیان و به ویژه قرامطه بی شباهت به اندیشه های مانی نیست. اندیشه های عرفانی نیز آنچنانکه از نوشته های عارفان و صوفیان برمی آید با اندیشه های مانوی

۱- کریستین سن، همان، ص ۲۷۹.

۲- ویدن گرن، همان، ص ۱۳۱.

۳- بهار، همان، ص ۵۶.

و مخصوصاً گنوسی همانندیهایی دارد.<sup>۱</sup> گمانه‌زنی از روی اعداد<sup>۲</sup>، علم احکام نجوم و برخی آداب نیایشی و گونه‌هایی از شبه علم ابدان از طریق مانویت به اسلام انتقال یافته است.<sup>۳</sup> تشریفات سماع صوفیان و برخی از رسمهای عارفان و درویشان چون رهروی و پرهیز از اندوختن مال، بی‌شبهت به راه و رسم‌های مانویان نیست.<sup>۴</sup> اندیشه‌های مانوی گری در دوران پس از اسلام توسط برخی شخصیت‌های ایرانی دامن زده می‌شد. بیرونی در کتاب ماللهند آورده است که ابن مقفع در باب برزویه کتاب کلیله و دمنه خود، قصد داشته کسانی را به مذهب مانی سوق دهد.<sup>۵</sup> روش زندگی ابوالعلاء معری را نیز نزدیک به سبک مانویان دانسته‌اند<sup>۶</sup> ابن فقیه در اخبارالبلدان نقل می‌کند که جایگاه اعدام شدن مانی در شهر جدی شاپور به روزگار وی زیارتگاه زنداقه بوده است.<sup>۷</sup> که این امر حکایت از رونق طرفداران مانی در غرب ایران دارد. مانویان در اواخر عهد اموی و اوایل عباسیان در خراسان و عراق حضور جدی داشتند. چنانچه در روزگار منصور ریاست عامه مانویان را ابوהלلال نام از آفریقیه بر عهده داشت.<sup>۸</sup> یزیدی‌ها که از جمله فرق دینی بعد از اسلام پیروان برای خود در میان اکراد یافته بودند، خود را منتسب به یزیدبن معاویه می‌کردند، این فرقه از غلا گنوسیان به شمار می‌رفتند.<sup>۹</sup> در بسیاری از اندیشه‌ها و اعتقادات خود متأثر از مانوی گری بودند. حتی مبداء

۱- ناطق، همان، ص ۱۹۳.

۲- تمایل به تفسیر اعداد که در میان عرفای آن زمان متداول بود به وسیله تعلیمات مانی در چین پیروان بسیاری کرده بود و دیگر آموزش‌های مانی را تحت الشعاع خود قرار داد رک. ویدن گرن: همان، ص ۱۸۶.

۳- ویدن گرن، همان، ص ۱۸۸.

۴- ناطق، همان، ص ۱۹۴.

۵- ناطق، ص ۲۴۱.

۶- همان، ص ۲۵۶.

۷- همان، ص ۲۵۶، لازم به ذکر است که در این عهد بسیاری از مانویان به اتهام زندیق مجازات می‌شدند. ابوالفرج اصفهانی در کتاب اغانی زنداقه را از پیروان مانی می‌داند و به روایت ابن ندیم زندیق به معنای اخص به پیروان مانی اطلاق می‌شود. رک. ناطق، ص ۲۶۰.

۸- تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۴۳۱.

۹- همان، ص ۲۷۰.

تاریخ یزیدی‌ها یعنی سال ۲۹۰ م نزدیک به سال قتل مانی ۲۷۶ میلادی است.<sup>۱</sup> مطالعه احوال و سنن یزیدیه نمونه‌ای از دیانت قدیم و باستانی مردم زاگرس و گرایش آنها به اندیشه‌های مانوی گری و زروانیستی را نشان می‌دهد.

تأثیر اسماعیلیه از اندیشه‌های گنوسی و مانوی نیز زیاد بوده است.<sup>۲</sup> چنانکه روش تفسیر تأویلی که بعدها خاص اسماعیلیان گردید جنبه بنیادین این جریان همانا ثنویت گنوسی آن است که وابستگی نزدیک با عقیده بنیادین مانویان دارد و نزاع میان نیکی و بدی را به زبان رمز و تمثیل بیان می‌کنند.<sup>۳</sup>



۱- یزیدیه شیطان پرستی و ثنویت گرایی، ص ۸۷.

۲- ترجمه فرق الشیعه نوبختی، ص ۲۱۷.

۳- تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۸۸.

## منابع و مأخذ:

- ۱- آقا محمدی، علی محمد، مانیگری، صوفیگری، تهران، فرهاد، ۱۳۸۴.
- ۲- آلبری، س.ر، زبور مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵.
- ۳- ابن بلخی، فارس نامه، به اهتمام گای لسترنج و رینولد الن نیکسون، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- ۴- ابن مسکویه رازی، ابو علی، تجارب الامم، ترجمه ابوالقاسم امامی، ج ۱، تهران، سروش، ۱۳۶۹.
- ۵- ابن ندیم، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۶- ابوریحان بیرونی، آثارالباقیه عن القرون الخالیه، ترجمه اکبردانا سرشت، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۲.
- ۷- الیاده، میر چا، آیین گنوس و مانوی، ترجمه دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، فکر روز، ۱۳۷۳.
- ۸- بهار، محمد تقی، بهار و ادب پارسی (مجموعه مقالات)، به کوشش محمد گلبنی، جلد ۲ تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ج سوم.
- ۹- پوش، هانری شارل، تاریخ تمدن ایران، ترجمه جواد محبی، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۳۶.
- ۱۰- ثعالبی، ابو منصور عبدالملک ابن محمد ابن اسماعیل: تاریخ شعالبی، ترجمه فضائلی، تهران، نقره، ۱۳۶۸.
- ۱۱- چهاردهی، نورالدین، شناخت صبی‌ها، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۶۳.
- ۱۲- دریایی، تورج، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳.
- ۱۳- دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۵.
- ۱۴- دیاکونوف، ایگور میخاییلویچ، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۶.
- ۱۵- رضی، هاشم، تاریخ مطالعات دینهای ایرانی، تهران، بهجت، ۱۳۷۱، چاپ دوم.
- ۱۶- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ مردم ایران، ایران قبل از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.



- ۱۷- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، چ ۵۰.
- ۱۸- سلیم، محمد نبی، «یزدیه شیطان پرستی یا ثنویت پرستی»، مجله مشکوه، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۷۹.
- ۱۹- شیمپان، کلاووس، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، نشر فرزاد، ۱۳۸۴.
- ۲۰- علوی، محمد بن حسین، تاریخ کامل ادیان، ویراسته هاشم رضی، تهران، فراهانی، ۱۳۴۲.
- ۲۱- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی، به اهتمام ژول مول، ج ۵، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۹، ج چهار.
- ۲۲- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان سامانیان، ترجمه رشیدیاسمی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- ۲۳- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک، تاریخ گردیزی، به تصحیح، عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳، چ دوم.
- ۲۴- گرن، ویدن، مانی و تعلیمات او، ترجمه نزهت مغای اصفهانی، تهران، بی جا، ۱۳۵۲.
- ۲۵- گیرشمن رمان، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معینی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
- ۲۶- لوکونین، ولادیمیر گریگوریچ، تمدن ایران سامانی، ترجمه عنایت ا... رضا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، چ دوم.
- ۲۷- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
- ۲۸- مشکور، محمد جواد، تاریخ سیاسی ساسانیان، ج ۱، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- ۲۹- مشکور، محمد جواد، خلاصه الادیان در تاریخ دینهای بزرگ، تهران، انتشارات شرق، ۱۳۵۹.
- ۳۰- مشکور، محمد جواد، ترجمه فرق شیعه نوبختی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
- ۳۱- میرخواند، سید محمد بن برهان‌الدین خواند شاه معروف به: تاریخ رو الصفا، جلد ۱ تهران، خیام، ۱۳۳۸.

۳۲- هوار کلمان، ایران و تمدن ایران، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، چاپ

سوم.

۳۳- یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۱، تهران، بنگاه ترجمه

و نشر کتاب، ۱۳۴۷.

